

Andishe.e.Taqrib.42 Vol. 17, No. 3, Autumn 2022 P. 22_45	اندیشه تقریب ۴۲ سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۴۲ ص ۲۲-۴۵
--	--

سازش با اسرائیل و قیاس آن بر صلح حدیبیه

محسن مدنی نژاد^۱

چکیده

با بررسی رویدادهای اخیر جهان اسلام به ویژه منطقه غرب آسیا، پرسشی در ذهن دنبال‌کنندگان مسائل استراتژیک مطرح می‌شود که چگونه برخی از کشورهای مدعی رهبری مسلمانان در جهان اسلام همانند عربستان سعودی، ترکیه و امارات، سیاست عادی‌سازی روابط با رژیم غاصب اسرائیلی را اجرا می‌کنند؟ تعجب‌انگیزتر آن که در این رویداد، برخی علمای اسلامی با آوردن شواهد تاریخی از صدر اسلام، به این حرکت کاملاً ضد اسلامی، وجهه شرعی داده و در مقایسه عادی‌سازی روابط با اسرائیل به پیمان صلح حدیبیه استناد نموده‌اند، حال آن‌که این قیاس ناصحیح و مع الفارق است. نویسنده در صدد است با استناد به منابع دست اول و با روشی تحلیلی-انتقادی به بررسی ابعاد موضوع مذکور و ابطال رأی قائلین به صحت این سازش بر اساس تطبیق آن با صلح حدیبیه پردازد.

واژگان کلیدی: عادی‌سازی روابط، سازش، صلح حدیبیه، اسرائیل.

۱. مدیر گروه فقه و حقوق مقارن و مدیر ویکی وحدت پژوهشگاه مطالعات تقریبی؛ پژوهشگر دکترای اندیشه معاصر مسلمین مجتمع عالی زبان و فرهنگ شناسی جامعه المصطفی.

صلح حدیبیه از شگفتی‌های تاریخ اسلام و نشانه‌های حکمت الهی رسول خدا ﷺ است که آثار بسیاری در پیشرفت اسلام داشت. این واقعه را می‌توان یکی از اصول سیاست اسلامی دانست، زیرا توسط شخص پیامبر اکرم ﷺ طراحی شده بود و بین همه مسلمانان مشترک بوده است و اختلافات فرقه‌ای دامن آن را نگرفته بود. در واقع این صلح از این جهات می‌تواند در کنار سایر اصول اساسی و عام روابط خارجی در اسلام، به‌عنوان یکی از اصول سیاست اسلامی برای کشورهای اسلامی و سرمداران آن‌ها، قرار گیرد؛ بنابراین شناخت دقیق این رویداد مهم سیاسی ضروری است. در همین راستا، صلح حدیبیه رویدادی بود که سرعت گسترش اسلام را «آسان‌تر» و «تندتر» کرد. و جالب‌توجه است که فاصله صلح حدیبیه تا فتح مکه فقط چند ماه بود. ابوسعید خدری از اصحاب رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که در این مدت کوتاه تعداد کسانی که به دین اسلام ایمان آوردند، بیشتر از زمان آغاز بعثت تا زمان صلح بوده است.

قبل از پایان صلح، اسلام تقریباً تمام مکه را دربرگرفته بود که در واقع اساس این واقعه مهم صلح حدیبیه بود و بدین ترتیب پس از امضای صلح، سوره فتح با عنوان ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ نازل شد و پیامبر ﷺ با اعلام این که این آیه نزد من از همه دنیا عزیزتر است باعث شادی مسلمانان غمگین و ناراحت شد.

یهودیان و مسلمانان

مسلماناً دین مبین اسلام ادامه ادیان توحیدی است. از این رو پیروان دین یهود، به‌ویژه بزرگان و علمای این دین، با توصیه‌هایی که در منابع دینی خود درباره آخرین فرستاده شده است، آشنا بودند. (بقره ۲: ۸۹) براین اساس می‌توان گفت که یهودیان از ظهور پیامبر اسلام در منطقه حجاز آگاه بودند. (آیت‌اللهی، ۱۳۳۵، ص ۱۵۴) و (بیهقی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۸ - ۲۲۰) این امر در مهاجرت آنان به یثرب بی‌تأثیر نبود. اما پس از ظهور رسول خدا ﷺ در میان اعراب، یهودیانی که نمی‌توانستند بیند شخصیتی غیر بنی‌اسرائیل و عرب‌الاصیل به مقام‌الای نبوت نایل شده است، همراه با مشرکان قریش و منافقان مدینه، در مقابل پیامبر ﷺ صف کشید. (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

خطری که یهودیان برای پیامبر داشتند بسیار جدی بود زیرا دشمنی شان با پیامبر ﷺ از روی علم و آگاهی بود. (پاک نژاد، ۱۳۵۸، ص ۱۴) یهودیان می‌دانستند که محمد ﷺ رسول

خداست و همان پیامبری است که در تورات وعده ظهورش داده شده است. (بیهقی، ابوبکر، ۱۳۶۱، ص ۲۱۹). اما تکبر و تعصب کاذب، آنان را بر آن داشت که رسالت ایشان را نپذیرند و به دشمنی بیشتر با اسلام و مسلمین روی آورند.

این قوم علی‌رغم انعقاد عهدنامه‌های متعدد با پیامبر ﷺ، هرگز به پیمان‌های او پایبند نبودند و از آزار و اذیت پیامبر ﷺ و مسلمانان دریغ نکردند و برای ضربه‌زدن اسلام و فریب مسلمین ترفندهای زیادی به کار بردند. یهودیان بیرون شهر مدینه، مشرکان را تحریک و تقویت کردند و در داخل شهر نیز همراه منافقین به مخالفت با حکومت اسلامی پرداختند. آمار جنگ‌های یهودیان که به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای شکست اسلام به راه انداختند و نیز شمار آیات فراوانی که در قرآن (به‌ویژه در سه سوره بقره، آل عمران و نساء) آمده‌اند، نشان‌دهنده تلاش‌های بسیار آن‌ها در این راستا است.

شکل‌گیری و ماهیت اسرائیل

در مرزبندی‌های جغرافیایی و از منظر حقوق بین‌الملل، قلمرو حاکمیتی هر جامعه‌ای (دولت و یا کشوری)، دارای قوانین و ضوابط حقوقی خاصی است. امروزه هر سرزمین به‌وسیله ویژگی‌های خاص فرهنگی - زبانی، رسومات و نیز بر اساس مرزهای جغرافیایی از سرزمین‌های دیگر جدا می‌شود. اما در این میان ملاک اسلام جهت تفکیک حدود و مرزها، معیاری غیر از معیاربندی مرزهای جغرافیایی است و آن معیار و ملاک شامل مرز عقیده و ایمان است. در این مرزبندی، نژاد، رنگ، زبان، خاک و جنسیت و... دخالتی ندارد؛ بلکه مبنا و معیار ایمان طرف‌های مقابل به اسلام است. بر اساس این معیار همه سرزمین‌ها به دودسته دارالاسلام (به‌عنوان سرزمین مسلمانان) و دارالکفر (به معنای قلمرو جامعه غیرمسلمانان) تقسیم می‌شوند. (آخوندی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸) در واقع معنای دقیق این دسته‌بندی این است که همه جهان اسلام در یک واحد جغرافیایی سیاسی و همه جهان خارج از اسلام - با هر عقیده‌ای در واحد جغرافیایی دیگری قرار می‌گیرند؛ یعنی در واقع دو بلوک امت واحده اسلام (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) با شعائر، قوانین و مقررات اسلامی و امت واحده کفر با شعائر، قوانین و مقررات غیراسلامی. (آخوندی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹).

دیدگاه فقهی - اسلامی درباره مسئله فلسطین

یکی از عناوینی که در فقه می‌توان از آن طریق به بررسی مسئله فلسطین پرداخت، عنوان دارالاسلام بودن فلسطین است. از جمله دلایل مصداق دارالاسلام بودن فلسطین از منظر حقوق

اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بیش‌ترین جمعیت فلسطین را تا قبل از اشغال توسط صهیونیست‌ها، مسلمانان تشکیل می‌دادند. فلسطین طی قرون متمادیه، بخشی از فتوحات اسلامی بوده که از طریق جهاد ابتدایی فتح گردیده است و در حقوق اسلامی از این سرزمین به سرزمین «مفتوحة عنوة» تعبیر می‌کنند و بی‌تردید بخشی از دارالاسلام محسوب می‌گردد.

در نتیجه کشور جعلی کنونی اسرائیل نیز به قطع از مصادیق دارالحرب است؛ زیرا خارج از حوزه و قلمرو دارالاسلام هست و احکام کفر و غیر اسلامی در آن جاری است، و مهم‌تر از همه این‌که دائماً به مرزهای دارالاسلام تعدی و تجاوز می‌کند و مسلمانان از بیم آزار و اذیت اسرائیلی‌ها در امان نیستند. در چنین شرائطی وظیفه دارالاسلام در برابر چنین دارالحربی، اگر نگوئیم جهاد ابتدایی، به قطع جهاد دفاعی است. در واقع جهاد دفاعی که امروزه در مباحث حقوق بین‌الملل از آن به دفاع مشروع یاد می‌شود، تعرض و تجاوز به هر کشوری را مجوز و عاملی برای دفاع و جنگ می‌داند که در فلسطین اشغالی این حق به طریق اولی برای فلسطینیان که ساکنان اصلی و اجدادی سرزمین‌های اشغالی‌اند، ثابت می‌شود. (آخوندی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸).

در زمینه دفاع از دین و سرزمین اسلامی آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد؛ مثلاً آیاتی همچون: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ﴾؛ ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره: ۱۹۰ و ۱۹۴).

منع عادی‌سازی با توجه به آیات قرآن کریم

حکم عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را می‌توان با مرور چند آیه صریح از قرآن کریم به دست آورد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (ممتحنه: ۶۰): ۹. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یک‌دیگر همکاری کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند.

در این آیه شریفه به صراحت نحوه تعامل با غاصبان دارالاسلام را این‌گونه بیان کرده است:

مسلمانان باید هرگونه مراوده با این گروه را قطع کنند و از هرگونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند.

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به پیروی بر مگیرید - به طوری که - با آن‌ها اظهار دوستی کنید. (ممتحنه (۶۰): ۱).

در این آیه شریفه خداوند مسلمانان را از پیروی از دشمن خدا و دشمن مؤمنین که منجر به دوستی با ایشان خواهد شد منع کرده است، حتی اگر ایشان اظهار دوستی با مسلمانان نمایند.

۳. ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ (المائده (۵): ۸۲): یعنی، به طور مسلم یهودیان و مشرکان را دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.

در این آیه شریفه دشمن‌ترین اقوام با مسلمانان یهودیان و به طریق اولی یهودیان حربی شناخته شده‌اند.

۴. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء (۴): ۱۴۱): خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است.

این آیه شریفه که معروف به آیه نفی سبیل و قاعده برگرفته از آن است، هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را مطلقاً رد می‌کند و هر امری که موجب آن شود را مردود می‌داند.

۵. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون (۶۳): ۸): عزت از آن خدا و رسول و مؤمنین است.

«آیه سلطه» هرگونه سلطه تکوینی و تدریجی غیر مسلمین بر ایشان و هرآنچه عزت مؤمنین و اسلام را خدشه‌دار کند - را نفی نموده است. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵).

منع عادی‌سازی با توجه به روایات

۱. «قاعده اعتلا»: طبق روایتی پیامبر ﷺ فرمودند: (الْإِسْلَامُ يَعْلُوُ وَلَا يَعْلى عَلَيْهِ): اسلام برتر از همه چیز است و هیچ چیز برتر از آن نیست. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱).

این روایت در صدد وضع حکمی شرعی است و آن این است که در اموری که کفار با مسلمانان ارتباط پیدا می‌کنند، برتری باید از آن مسلمانان باشد. (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴)؛ به دیگر عبارت به برتری دارالاسلام بر دارالکفر اشاره است. (خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱).

۲. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّهُمْ (اليهود) أَغْشُ الْخَلْقِ لِلْمُسْلِمِينَ»، «به‌درستی آن‌ها [یهودیان] فریبکارترین مردم نسبت به مسلمانان هستند.» در این حدیث نبوی به مسلمانان گوشزد می‌شود که نسبت به یهودیانی که پیش‌تر در مورد پیمان‌شکنی و فریبکاری ایشان توضیح داده شد، باید بسیار با احتیاط عمل نمایند. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به‌عنوان نماد یهود افراطی امروزی، مصداق آتم این حدیث نبوی است، لذا مسلمین و دارالاسلام باید از آن بر حذر باشند. نمونه آیاتی و روایاتی که درباره مسئله ارتباط و سازش و عادی‌سازی روابط با کشور جعلی و غاصب اسرائیل بیان کردیم، همگی دال بر این است که هر امری که موجب سلطه و استعلائی رژیم صهیونیستی بر سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان گردد و یا هرگونه تعامل یا پذیرش آن از جانب اسلام و بنا بر دستورات قرآن و روایات و احکام فقهی، حرام و غیر قابل قبول و منجر به شکست و عذاب الهی خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران و رابطه با اسرائیل

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ که سرمنشأ تحولاتی عظیم در منطقه و جهان گردید، وجدان مسلمانان جهان بیدار و باورهای دینی شان احیا گردید. جمهوری اسلامی ایران با توجه به اصل دعوت، صدور انقلاب و ارزش‌های آن و نیز دفاع از مستضعفان و مظلومان در سرتاسر دنیا را به‌عنوان یک اصل و هدف در قانون اساسی و اصول سیاست خارجی خود قرار داده است. البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، الگوهای مختلف با دیدگاه‌های متفاوتی درباره صدور انقلاب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد. (خسروشاهی، ۱۳۹۲، ص ۵۱) که نوع و میزان آن در حمایت از نهضت‌های اسلامی متفاوت است. یکی از این گروه‌های سنی مؤثر در میانه میدان نبرد با اسرائیل و حمایت از مستضعفین و مظلومین فلسطینی گروه جهاد اسلامی فلسطین است. (مسعود نیا و قربانی، ۱۳۹۵، ص ۹۷) گروه شیعی مقاومت اسلامی لبنان (حزب‌الله) نیز یکی دیگر از این گروه‌های مقاومت است که تا کنون نقشی مؤثر در قدرت‌بازدارندگی اسلام بر علیه رژیم صهیونیستی، ایفا کرده است.

جمهوری اسلامی در تمامی این سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از تمام امکانات و قوای مادی و معنوی خود به حمایت همه‌جانبه از تمامی حرکت‌های آزادی‌بخش مستضعفین و از جمله گروه‌های مقاومت ضد اسرائیل، فارغ از هر نوع وابستگی دینی و یا مذهبی

و با قومی و قبیله‌ای، پرداخته است. در این زمینه می‌توان به تصویب قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل^۱ اشاره کرد. در این قانون آمده است:

ماده واحده - جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس تاکنون همواره و قاطعانه با هرگونه دادوستد مستقیم و غیرمستقیم با رژیم غاصب اسرائیل مخالف بوده و این سیاست را به نحو جامع و شامل ادامه خواهد داد؛ لذا جمهوری اسلامی ایران قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل که در پنجمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۹۸۷ در کویت به تصویب رسیده است را عیناً تصویب کرد.

عادی‌سازی روابط و سازش با اسرائیل

معنای دقیق عادی‌سازی روابط و سازش با اسرائیل

جهان عرب ده‌ها سال است که روابط خود با اسرائیل را عادی نکرده است. با تشکیل رژیم اسرائیل، املاک هزاران فلسطینی مصادره شدند و اسرائیل با نقض قوانین بین‌المللی، سرزمین‌های فلسطین، سوریه و مصر را اشغال کرد. فلسطینی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر بارها به نقض توافق‌های حقوق بشری که نیروهای اسرائیلی بارها در سرزمینشان مرتکب شده‌اند اعتراض کرده‌اند. این نقض قوانین بین‌المللی در سرزمین‌هایی اتفاق می‌افتد که اکثریت قریب به اتفاق جامعه جهانی و همچنین در حقوق بین‌الملل تصدیق می‌کنند که به طور غیرقانونی توسط اسرائیل اشغال شده‌اند. تبعیض علیه شهروندان فلسطینی اسرائیل نیز موضوع دیگری است. برای دهه‌ها، دولت‌های عربی منطقه، یکی پس از دیگری خود را متعهد به عادی‌سازی روابط با اسرائیل به شرط خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و تسهیل راه‌حل عادلانه و قانونی برای مسئله آوارگان فلسطینی، کرده‌اند.

عادی‌سازی روابط با اسرائیل مساوی با چشم بستن به روی طولانی‌ترین اشغال نظامی تاریخ جهان و مشکلات آوارگان فلسطینی و تأیید آن از سوی کشورهای برقرارکننده رابطه با اسرائیل است. اشغال‌گری‌ای که همچنان نیز ادامه دارد و حتی با شهرک‌سازی‌های جدید توسعه‌یافته و با سرعت زیادی دنبال می‌گردد. مسئولین کشورهای عربی باید بدانند که در هیچ یک از توافقات

۱. قانون مصوب ۱۳۲۹/۰۶/۱۳۲۷ مجلس شورای اسلامی: «قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل که حسب اعلام وزارت امور خارجه در پنجمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۹۸۷ در کویت به تصویب رسیده است عیناً تصویب می‌گردد.»

اسرائیل با کشورهایشان، اسرائیل هیچ تضمینی مبنی بر این که اراضی بیشتری از فلسطینیان را الحاق نکند، نداده است.

پیامدهای عادی سازی روابط و سازش با اسرائیل

عادی سازی روابط با اسرائیل آن هم توسط برخی کشورهای مسلمان عربی خسارت جبران ناپذیری به دو حیثیت اسلامی و نیز عربی این حکومت ها و سردمداران شان زده است که خود یک لکه ننگ دیگری فراتر از شکست اعراب از اسرائیل برای آنان است؛ زیرا در آن شکست اعراب علی رغم میل بر مبارزه با اسرائیل و با عزم و غیرت اسلامی و عربی به نبرد با اسرائیل رفتند؛ ولی در این داستان، با میل و رغبت به مبارزه با اسلامیت و عربیت خود و ملت هایشان پرداخته و فریب ظاهر سازی های قلابی و وعده های پوچ و تو خالی رژیم صهیونیستی را خورده اند.

این عادی سازی در درجه اول و به مرور زمان باعث درگیری های اعراب و اسرائیل و در درجه دوم باعث ایجاد تنش و درگیری های منطقه ای اسرائیل و ایران خواهد شد. این تعارض های ناشی از عادی سازی، ممکن است در دراز مدت به ایجاد دو قطب منطقه ای تبدیل شود؛ یعنی یک طرف اسرائیل و کشورهای هم پیمانش اعم از کشورهای عربی خلیج فارس یا غیر خلیج فارس و نیز غیر عرب غرب آسیا با حمایت آمریکا باشد و محور دیگر شامل ایران و کشورهای همسو با آن (محور مقاومت) باشد که ممکن است با حمایت روسیه و یا چین همراه شود. هدف صهیونیست ها از عادی سازی روابط رسیدن به دو نتیجه است که نه تنها هیچ فایده ای برای کشورهای عربی ندارد؛ بلکه موجب وارد آمدن خسارت های جبران ناپذیری به آن ها خواهد شد، آن دو هدف عبارت اند از:

۱) پایان یافتن انزوای رژیم صهیونیستی

بایکوت شدید رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای اسلامی و عربی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، مراوده ای، ورزشی و... به یکی از مسائل آزردهنده برای سردمداران حکومتی و نیز مردم این رژیم بدل گردیده بود؛ به همین خاطر صهیونیست ها با عادی سازی روابط، قصد دارند که از این انزوا بیرون بیایند. در این باره باید گفت: صد البته با عادی سازی حاکمیتی برخی حکومت های دست نشانده عربی که از قبل هم نیمه مخفیانه به برقراری رابطه با این رژیم پرداخته بودند، این معضل حل نخواهد شد. عادی سازی روابط با اسرائیل فقط منجر به این امر خواهد

شد که این کشورها به‌عنوان گاوهای شیرده در عرصه‌های بین‌المللی و سازمان ملل به نفع رژیم صهیونیستی رأی دهند و در ازای این خوش رقصی و خوش خدمتی، هیچ چیزی دریافت نکنند. «عادی‌سازی» ساده‌انگاری و یا خیانت سران کشورهای سازش‌کار را می‌رساند؛ زیرا بر اساس تعالیم صهیونیزم، آن‌ها نباید به‌هیچ‌وجه به مسلمانان و اعراب که در واقع از کودکی آن‌ها را دشمن تعریف کرده‌اند، سود برسانند و اگر به هر دلیلی سودی از جانب آن‌ها به اعراب و یا مسلمانان برسانند، مطابق این تعلیمات، مرتکب گناهی بزرگ شده‌اند. پس در نتیجه باید دانست که هیچ کشوری از عادی‌سازی روابط با صهیونیست‌ها ذی‌نفع نخواهد شد، بلکه در این میان تنها کشوری که از این ماجرا سود می‌برد، اولاً و بالذات رژیم اشغال‌گر قدس و ثانیاً و بالعرض ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش خواهد بود.

۲) جنبه تبلیغاتی با نشان دادن چهره معقول از رژیم صهیونیستی در جوامع عربی و اسلامی

صهیونیست‌ها با خیال زدودن انزوایشان می‌خواهند با عادی‌سازی روابط با اعراب، بایکوت سنگینی که در آن قرار گرفته‌اند را از سمت جوامع اسلامی و کشورهای عربی از بین ببرند. پس به دنبال عادی نشان دادن حضور فیزیکی مسئولین و شهروندانشان در این کشورها هستند تا به مرور زمان از حلقه این انزوا خارج شوند. حلقه کامل‌کننده این پازل صهیونیست‌ها، بارش هجمه فرهنگی و سکولار کردن جوامع اسلامی و عربی توسط غرب و آمریکا است تا با استفاده از ابزارهای مختلفی همانند شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های ماهواره‌ای، صنعت ابتدال و هرزگی، حرمت‌شکنی از نهادهای مقدسی چون خانواده، مدرسه، معلم و پدر، مادر و... به هدف مشابه‌شان یعنی خالی کردن جوامع اسلامی از دو عنصر هوشیاری و غیرت اسلامی برسند.

۳) نفوذ در عرصه هایپتک و سایبری در غرب آسیا

پس از عادی‌سازی روابط صهیونیست‌ها با برخی از کشورهای عربی، اولین مطالباتی که از سوی صهیونیست‌ها دنبال شد، عرصه سایبری و هایپتک تکنولوژی بود. از یک سو باید دانست که بیش‌ترین استارت‌آپ‌های ثبت شده در اسرائیل شرکت‌های فعال در عرصه هایپتک و سایبرنتک هستند. در این میان رؤسای غالب این شرکت‌ها نیز همان فرماندهان و بازنشستگان نظامی - امنیتی رژیم صهیونیستی‌اند. از دیگر سو باید متوجه باشیم که این شرکت‌ها در قالب مؤسسه‌های خصوصی، اقدام به ایجاد شعب در کشورهای مقصد عادی ساز روابط می‌کنند.

در گام بعدی این عناصر امنیتی و شرکت‌های مذکور با نفوذ به زیرساخت‌های سایبری و هایتک کشورهای میزبان به وسیله بستن قرارداد و یا تبادل اطلاعات و در ظاهری دوستانه و با قالب همکاری در پروژه‌های مشترک با شرکت‌های بومی، به ربودن اطلاعات حیاتی و مهم این کشورها و یا اختلال در سیستم کلی آن کشورها و یا برنامه‌ریزی جهت ضربه‌زدن به این کشورها و یا سایر کشورهای مد نظرشان می‌پردازند.

همانند اخبار و اطلاعات متعددی که در ماه‌های اخیر نسبت به نفوذ بدافزارهای جاسوسی مثل «پگاسوس» از سمت استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی در کشورهای عربی منتشر شده است و سبب ابراز نگرانی برخی کشورهای عربی همچون امارات، مغرب و مصر نسبت به این نفوذ و توسعه حضور نرم‌افزارهای جاسوسی گردیده است به‌ویژه که اگر این نفوذ به‌گونه‌ای باشد که دیگر امکان مقابله و یا جلوگیری از آن نباشد.

۴) مراقبت و جاسوسی شدید نظامی و امنیتی

هدف مهم دیگر صهیونیست‌ها از عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی مراقبت کامل و شدید از حوزه‌های نظامی و امنیتی کشورهای قربانی روند عادی سازی است. زیرا سردمداران این رژیم به این اصل معتقدند که: هیچ کشوری نباید به تجهیزات پیشرفته دسترسی داشته باشد، چرا که موجب از بین رفتن برتری نظامی این رژیم در منطقه غرب آسیا می‌شود. دنبال کردن این سیاست کلی در روابط این رژیم با این کشورها کاملاً واضح است و یک نمونه عینی آن ممانعت صهیونیست‌ها از فروش جنگنده‌های F35 آمریکایی به امارات است.

۵) فعالیت اختاپوس‌گون صهیونیست‌ها در اقتصاد

پس از علنی کردن عادی‌سازی روابط امارت با رژیم صهیونیستی، تعدادی از شرکت‌های اماراتی فعال در امور اقتصادی، با رژیم صهیونیستی قراردادهای سنگین اقتصادی بستند. اما در مقابل تعداد شرکت‌های رژیم صهیونیستی که برای فعالیت وارد امارات شده‌اند بسیار بیشتر است. صهیونیست‌ها آن قدر یک‌جانبه خواه هستند که با طرح اقتصادی کلان امارات در زمینه انتقال انرژی امارات از طریق فلسطین به دریای مدیترانه که برای اماراتی‌ها مفید بود، مخالفت کردند. تنها عایدی اماراتی‌ها از این عادی‌سازی روابط فقط می‌تواند خوش‌رقصی و نیز حضور هزاران گردشگر اسرائیلی در امارات باشد که در واقع از همین گردشگری هم، نه بحرین و نه مراکش و نه سودان بهره خاصی نبرده‌اند.

کشورهای موافق و مخالف عادی‌سازی روابط و سازش با اسرائیل

کشورهای موافق

مدتی است که برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس با حمایت آمریکا در حال انجام تجارت با اسرائیل هستند. رژیم اشغال‌گر قدس از بدو تأسیس همواره در پی گسترش نفوذ خود در خاورمیانه به صورت اختاپوس‌گون است. وزیر همکاری منطقه‌ای رژیم صهیونیستی مدعی شد که برخی دیگر از کشورهای عربی و اسلامی از جمله قطر، تونس، عمان و مالزی ممکن است به توافق عادی‌سازی روابط با این رژیم بپیوندند. عیساوی فریج وزیر همکاری‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با خبرنگار ارم نیوز امارات گفت: «برخی دیگر از کشورهای عربی و اسلامی همانند قطر، تونس، عمان و مالزی احتمالاً به توافقات عادی‌سازی روابط با این رژیم می‌پیوندند».

وی گفت: «ما با همه کشورهای عربی خاورمیانه حتی کشورهای متخاصم روابط مستقیم و غیرمستقیم داریم و در چشم انداز دور خود می‌بینم که همه کشورهای خاورمیانه یک اتحادیه شکل خواهند داد». (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰) روز سه‌شنبه (بیست و پنجم سپتامبر سال ۲۰۲۰) با حضور بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی، عبدالله بن زاید وزیر امور خارجه امارات و عبداللطیف الزایانی، وزیر امور خارجه بحرین، توافقنامه صلح میان رژیم اسرائیل و این کشورها در کاخ سفید امضا شد.

بنا بر تحلیل دکتر اچ. ای. هلیر در وب‌سایت اندیشکده، در دو ماه گذشته، دو کشور عربی حاشیه خلیج فارس قصد خود را برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل اعلام کردند که به این ترتیب به چهارمین و پنجمین کشور عربی اند که پس از مصر و اردن و موریتانی از سال ۱۹۴۸ (زمانی که اسرائیل سرزمین‌های فلسطینی را اشغال کرد) روابط خود را با دولت اسرائیل عادی می‌کنند. اکثر نهادهای سیاست خارجی و رسانه‌های غربی در لندن و به‌ویژه واشنگتن با هیجان زیادی به این خبر واکنش نشان داده‌اند.^۱

اما باید دانست که این‌ها همه معنا و مقصود کامل پروژه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیستند؛ بلکه عادی‌سازی روابط امری فراتر از برقراری روابط رسمی دیپلماتیک بین کشورها است. شاهد ما بر این ادعا هم این است که اسرائیل در سالیان گذشته هم روابط

۱. پایگاه شورای راهبردی روابط خارجی: scfr.ir

خود را با بسیاری از کشورهای عربی عادی کرده بود و حتی مراکش، عمان، قطر و تونس همگی شان از گذشته در اسرائیل دفاتر تجاری داشتند، بلکه حتی دوحه مدتی میزبان یکی از دفاتر تجاری اسرائیل و یک نماینده دیپلماتیک اسرائیلی بود. اما هیچ‌کدام از این اقدامات به صورتی پایدار نبود و روابط مردم کشورها با مردم رژیم صهیونیستی عادی‌سازی نشده است. عادی‌سازی در معنای اساسی‌اش، شامل تعاملات میان دو ملت است و فقط شامل مبادلات بین مقامات عالی‌رتبه نمی‌شود. ما شاهدیم که بعد از گذشت چند دهه از قراردادهای صلح مصر و رژیم صهیونیستی، هنوز هیچ عادی‌سازی در روابط بین مردم و مردم وجود ندارد و سطح روابط فرهنگی بسیار سرد است. همین مسئله در مورد قراردادهای صلح اردن از سال ۱۹۴۹، نیز صادق است. در بحرین هم سیاست‌مداران مردمی بحرینی اعتراضات زیادی را بر علیه سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل در منامه به راه انداختند. در کل مخالفان عادی‌سازی روابط با اسرائیل در سرتاسر خلیج فارس، اقدام به این سازش را یک خیانت بزرگ به اسلام و مسلمانان و جامعه عربی و جهانی می‌دانند.

کشورهای مخالف

مخالفت با پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل در جهان عرب یک واکنش طبیعی و معقول محسوب می‌گردد چنانچه در برخی از کشورها همانند سودان، رهبران موقت سودان به شدت با درخواست پمپئو مبنی بر پیوستن سودان به این قرارداد مخالفت کردند؛ زیرا آن‌ها می‌دانستند مردم تازه به پا خواسته سودان به شدت چنین تصمیم را بر نمی‌تابند و با آن به مقابله خواهند پرداخت. آن‌ها می‌دانستند سودان جایی است که افکار عمومی مهم است. این مخالفت‌ها بیشتر از آن که ریشه در حاکمان و حکومت‌ها داشته باشد و به ویژه در کشورها اسلامی و عربی، ریشه‌اش در مطالبات مردمی و خواست‌های ملت‌ها به‌عنوان بخش‌هایی از جامعه واحده اسلامی است.

پروژه عادی‌سازی روابط با رژیم اشغال‌گر قدس تنها در یک صورت می‌تواند مؤثر واقع شود؛ وقتی که در افکار عمومی جهان اسلام و عرب، و از جمله در افکار عموم فلسطینیان مورد پذیرش قرار گیرد که این امر نیز در واقع یک نوع دست برداشتن از یکی از اماکن و رموز مقدس اسلامی یعنی بیت‌المقدس و قبله اول مسلمانان است. دست‌یابی به این هدف، علی‌رغم تلاش‌های گسترده اسرائیل و آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی دنباله‌رو آنان و نیز برخی مهره‌ها و

حاکمان سرسپرده‌شان، هرگز به آسانی میسر نخواهد شد.

هرچند پرواضح است که اقدامات دولت‌های عربی در مسئله عادی‌سازی روابط با اسرائیل منجر به پذیرش اسرائیل توسط افکار عمومی جهان عرب نمی‌شود به ویژه که مردم عرب در بیشتر کشورها درگیر آشوب‌های داخلی هستند، اما معترضان پرچم فلسطین را حمل می‌کنند که در واقع اشاره‌ای به نماد بودن آرمان فلسطین برای ملت‌های عرب پس از دوران استعمار دارد.

صلح حدیبیه و شرایط آن از منظر تاریخ صدر اسلام

پیمان صلح حدیبیه یکی از مشهورترین و تاریخی‌ترین پیمان‌ها در صدر اسلام است که خود می‌تواند یک الگوی عملی از نحوه تعامل با دیگر را به سایر مسلمانان بیاموزد. این پیمان از جنبه‌های گوناگونی مهم است؛ شخص و طرف اقدام‌کننده و نیز طرف مقابل و نیز شرایط انعقاد آن؛ پیمانی قابل بررسی، با قابلیت الگوبرداری است. در این پیمان جوانب متعددی مثل طاعت‌پذیری مسلمانان از شخص پیامبر ﷺ و فداکاری و شهادت‌طلبی ایشان و نیز در موضع ضعف و تدافعی بودن مشرکان سبب شد تا آنان در حد زیادی تسلیم شرایط پیامبر اسلام شوند. بر اساس مفاد این پیمان دو طرف متعهد شدند به مدت ۱۰ سال از هرگونه جنگ و خونریزی اجتناب کنند. پس از آن اسلام و مسلمانان بسیار قدامت‌مند شدند و قریشی که برای نابودی اسلام همه تلاش خود را کرد، ملتزم شد به مدت ۱۰ سال متعرض مسلمانان نشود و اموال مسلمانان مصون از تعرض و به رسمیت شناخته شد.

شروط انعقاد صلح حدیبیه

اطاعت، فداکاری و شهادت مسلمانان از یک سو و دفاع از مشرکان از سوی دیگر آنان را تا حد زیادی به شروط پیامبر اسلام تسلیم کرد. بر اساس مفاد این معاهده، هر دو طرف متعهد شدند به مدت ۱۰ سال از هرگونه جنگ یا خونریزی خودداری کنند. از دیگر مفاد این پیمان عبارت بود از:

- پیامبر اسلام و پیروانشان، به مدینه بازگردند و از سال آینده برای زیارت به مکه بروند.
- مشروط بر این‌که بیش از سه روز در مکه نمانند و سلاحی جز شمشیر به همراه نداشته باشند.
- قریشیان و مسلمانان در این‌که با هر قبیله‌ای پیمان ببندند، آزادند. (این بند از پیمان نامه در

حالی مورد تایید قرار گرفت که تا پیش از این و به خاطر ترس از مشرکان، سایر قبایل از پیمان بستن با پیامبر و مسلمانان امتناع می‌کردند.)

شبهات‌ها و تفاوت‌های عادی سازی روابط با اسرائیل و صلح حدیبیه

برخی به دنبال این هستند که با ذکر شبهات‌هایی میان مسئله عادی‌سازی و پیمان‌های سازش با اسرائیل و مسئله انعقاد پیمان صلح حدیبیه میان پیامبر ﷺ و مشرکان مکه، عادی‌سازی را به‌نوعی بر مسئله صلح و پیمان حدیبیه تطبیق دهند و بار فشار غیرتمندانه ملت‌های مسلمان و جهان عرب و به خصوص ملت مسلمان فلسطین را از دوش خود بردارند. اما برای توضیح بیش‌تر این مطلب و ذکر تفاوت فاحش میان این دو قضیه باید موارد زیر را خاطر نشان کرد:

اول: عادی‌سازی روابط با اسرائیل از نظر فقهی، صلح و آشتی نیست؛ زیرا که صلح در اصطلاح فقهی عبارت است از: «ترک جنگ برای یک مصلحت و برای یک‌زمان محدودی و یا بدون معین کردن زمانی تا زمانی که دشمن به این پیمان پایدار باشد و آن را با تجاوز و خیانت نشکنند. زیرا در کلام حق تعالی چنین آمده است: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾؛ «اگر از در آشتی درآمدند - به‌صورت واقعی - شما هم با ایشان صلح کنید.» (انفال (۸): ۶۱).

ولی امروزه مسئله عادی‌سازی روابط با اسرائیل یک نوع بیعت آشکار و همدردی و حتی هم‌پیمانی با دشمن حربی امت اسلامی است. این ائتلاف با دشمن جهان اسلام مطابق مفادش به حدی می‌رسد که باید برای انجامش برنامه‌های آموزشی یک کشور اسلامی را تغییر داد و همچنین متون دینی را تحریف کرد تا بتوان چنین پیمانی را با دشمن صهیونیستی ادامه داد. چنین پیمان و معاهده سازشی از واضح‌ترین مصادیق پیروی از راه مغضوبین درگاه الهی و گمراه شدگان است که به نص صریح قرآن کریم این پیروی حرام اعلام شده است: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾، ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ﴾. (بقره: (۲): ۱۲۰ و ۲۱۷).

چنانچه این قرارداد سازش در سخن خداوند متعال، یکی از صریح‌ترین مصادیق قراردادهای دو طرفه حرام است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را دوست نگیرید، بعضی از آن‌ها یاوران برخی دیگرشان هستند و هر که از شما آن‌ها را به دوستی بگیرد، خودش یکی از

آن‌هاست.» (مائده (۵): ۵۱) فقها اتفاق نظر دارند که کسی که بر خلاف این آیه عمل کند عملاً مرتد و کافر شده است و چنین کاری دشمنی آشکارا با امت اسلامی و دین اسلام است. این مسئله در رسانه‌های کشورهای سازشکار کاملاً آشکار است. سازشکاران بعد از امضای این پیمان، به قبح‌زدایی از یهودیان اسرائیلی و اشغال اسرائیلیان پرداخته و این اقدام نوعی پیروی از راه مجرمین و کمک خواستن از آنان است و از این رو در نصوص دینی و در نص صریح قرآنی حرام اعلام شده است: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾، «و به کسانی که ظلم کرده‌اند تکیه نکنید که اگر چنین کنید آتش دوزخ دامتتان را خواهد گرفت.» (هود (۱۱): ۱۱۳).

دوم: عادی‌سازی در اصل مبتنی بر اذعان و اعتراف به مشروعیت حضور دشمن صهیونیستی در سرزمین فلسطین، تحکیم موجودیت آن، کمک کردن به این رژیم به‌وسیله ابزارهای قدرت از جمله نفت و گاز و همکاری با آن علیه مردم فلسطینی است که در حال مبارزه با آن هستند. و همه این‌ها خلاف اسلام است، زیرا سرزمین فلسطین جزء دارالاسلام بوده و وقف همه مسلمانان است. و هیچ کس حق دست برداشتن از آن را به نفع اشغال‌گران ندارد و همچنین هیچ مسلمانی حق همکاری با این رژیم غاصب برای مبارزه با مردم فلسطینی که بر علیه اسرائیل جهاد می‌کنند، را ندارد.

سوم: عهدنامه حدیبیه توسط امام زمان امت در زمان خودش یعنی پیامبر ﷺ و با وحی و دستور الهی منعقد شد، بنابراین قیاس قرارداد عادی‌سازی روابط با صلح حدیبیه به هیچ وجه صحیح نیست. مضافاً بر این‌که صلح حدیبیه، صلحی کوتاه مدت و فقط برای ده سال بنا بر مصالحی که پیامبر ﷺ دیده بودند (نه برای اقرار به بودن به دشمنان به‌عنوان جزئی از دارالاسلام) منعقد گردید. در حالی که در واقع عادی‌سازی روابط با رژیم جعلی صهیونیستی، ایجاد یک قرارداد همیشگی است و آن هم در زمینه کوتاه آمدن از سرزمین فلسطین با واگذاری این سرزمین مقدس که مردم آن هنوز هم در حال مبارزه با دشمن اشغال‌گر هستند.^۱

چهارم: یکی دیگر از تفاوت‌های موجود میان صلح حدیبیه و مذاکرات سازش و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی این است که مذاکرات میان پیامبر ﷺ و قبیله خود بود و به منظور دوری از هرگونه جنگ احتمالی با قبیله خود انجام شد.

۱. به نقل از پایگاه عربی منتدی العلماء: <https://www.msf-online.com>

پنجم: از دیگر تفاوت‌ها این است که پیامبر ﷺ با حالت ضعف و شکست وارد مذاکره و صلح حدیبیه نشد و به دیگر عبارت از موضع قدرت وارد مذاکره حدیبیه شدند و به جز مذاکره گزینه‌های دیگر هم داشتند. چنانچه قبول واقعیت (به رسمیت شناختن پیامبر و مسلمانان) از جانب قریش، سایر قبایل را نیز به سمت به رسمیت شناختن اسلام و مسلمانان و پیامبر ﷺ سوق داد؛ قبایل زیادی که پیش از معاهده حدیبیه از ترس تحریم قریش از ائتلاف با مسلمانان خودداری می‌کردند. در نتیجه، معاهده حدیبیه در واقع یک فتح (پیروزی) برای مسلمانان به شمار می‌رفت و قرآن کریم هم این واقعیت را تایید می‌کند. به خلاف معاهده و پیمان عادی‌سازی روابط که پیمانی سرتاسر خسران‌آور و مذلت‌بار برای مسلمان و به خصوص سازشکاران جهان عرب است.

ششم: مذاکره‌های فعلی در واقع مذاکره‌هایی است که یکی از اطراف آن هم چنان به جنگ و یاپمال کردن حقوق طرف مقابل ادامه می‌دهد (رژیم صهیونیستی)؛ این طرف توانسته طرف فلسطینی یا عربی را بر اساس شروطی که خود تعیین کرده، بر سر میز مذاکره بنشاند. اکنون سؤال این جاست: آیا مذاکره کنندگان امروز گزینه دیگری جز نشستن بر سر میز مذاکره در اختیار دارند؟ آیا این‌ها قدرت عقب نشینی از مذاکره در واکنش به قتل، کوچاندن اجباری و به اسارت گرفتن هزاران انسان به عقب نشینی از مذاکره یا تهدید به انتقام دارا هستند؟ آیا قدرت تهدید کردن طرف مقابل و یا انتقام گرفتن از او را دارند؟ جواب این سؤال‌ها پر واضح است که منفی است.

دیدگاه علما درباره اسرائیل و سازش با این رژیم

در مورد دارالحرب بودن رژیم صهیونیستی و حرمت تعامل با آن، بین علما اتفاق نظر وجود دارد، و اگر برخی از ایشان در برخی موارد حکمی نداده‌اند، به این معنا نیست که با این اتفاق نظر موافق نیستند، بلکه به این مطلب اشاره دارد که موضوع از نظر آن‌ها بسیار روشن است. علما و مراجع معاصر همچون: آیت‌الله سیدعلی سیستانی، آیت‌الله محمدتقی بهجت، آیت‌الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی، آیت‌الله سیدهادی میلانی، آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله سید علی موسوی بهبهانی، آیت‌الله سید عبدالله شیرازی، آیت‌الله سیدمحمد شیرازی، آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله و بسیاری دیگر با صدور احکام، بیانیه‌ها و تدوین کتاب‌ها و سخنرانی‌ها در محکومیت تجاوزات رژیم صهیونیستی به کشورهای اسلامی، همه مسلمانان را به کمک به مسلمانان مظلوم فلسطین دعوت کرده‌اند. مثلاً به‌عنوان نمونه در بیشتر رساله‌های عملیه شیعه در ابواب معاملات، بر حرام بودن خرید و

فروش کالا و تجارت با دشمنان مسلمانان و از جمله اسرائیل تاکید شده است. برای اثبات این ادعا می‌توانیم به نظر پروفیسور اسحاق حسون، اسلام‌شناس اسرائیلی در دانشگاه عبری اورشلیم اشاره می‌کنیم. او در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه بررسی استراتژیک هرترلیا در قدس شریف در سال ۲۰۱۱م، به صراحت با تقسیم مراجع تقلید شیعه به میانه‌رو و افراطی چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «توجه اسرائیل به این موضوع مهم است و با بررسی دیدگاه جریان‌های میانه‌رو و افراطی مراجع شیعه درباره موجودیت اسرائیل به این نتیجه می‌رسند که اسرائیل از نظر آن‌ها دشمن اسلام و مسلمانان است و همه مراجع شیعه بر لزوم نابودی آن اتفاق نظر دارند»^۱. ما برای نمونه در ذیل این مطلب، برخی از فتاوی‌ای علمای اعلام را ذکر می‌کنیم (مسئله جالب توجه در مورد این فتاوا این است که علی‌رغم وجود اختلافات علمی در برخی مسائل، اما در این مورد اتفاق نظر معنادار وجود دارد):

امام خمینی علیه السلام بر آزادی فلسطین تأکید فراوان داشتند و از اولین روزهای انتفاضه تا پایان عمر هیچ‌گاه از موضوع فلسطین غافل نشدند. در جایی می‌فرماید: «هیچ امری را بر مسلمانان واجب‌تر از این نمی‌دانم که با جان و مال خویش، هنگامی که می‌بیند خون‌های برادران و خواهران بی‌گناه شما در سرزمین‌ها مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید سرزمین‌های ما (اسلام) دست به صهیونیست‌های تبهکار، ویران گشته، در این شرایط هیچ راهی جز ادامه جهاد نمی‌ماند، بر همه مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این جهاد مقدس صرف کنند و خداوند پشتیبان این اراده است.» (نظریه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹).
 نظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله در جایگاه رهبری انقلاب اسلامی و به‌عنوان شخص اول تعیین‌کننده خطوط کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر همگان روشن است. وی در یکی از سخنان خود می‌فرماید: «برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند: راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است... و راه دوم، حمایت‌هاست، همه دنیا باید از این‌ها حمایت کنند.» (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری، ۱۳۸۱).
 آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطا علیه السلام (۱۸۷۶-۱۹۵۴) که در سال‌های اولیه تأسیس

1. Report of the Eleventh Herzliya Conference

رژیم صهیونیستی مرجعیت کامله شیعیان نجف را بر عهده داشت، در حکمی معروف می‌گوید: «هرکس بتواند به مجاهدین فلسطینی ملحق شود، باید به آن‌ها ببیوندد. و من اطمینان می‌دهم که او در ردیف مجاهدین بدر در کنار پیامبر ﷺ است و هرکس نیز نمی‌تواند ملحق شود، باید آنان را با مال خویش کمک نماید و هر کس که نسبت به هیچ یک از این‌ها توانایی ندارد، بر او واجب است که با زبان و قلم و تلاش تا سر حد امکان، کوشش و مساعدت نماید و این کم‌ترین مرتبه تکلیف الهی است.» (ورعی، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی رحمته‌الله علیه (۱۸۷۵-۱۹۶۱م) مرجع بزرگ شیعیان که معمولاً در مسائل سیاسی ورودی نداشتند، به خاطر اهمیت این مسئله یک بیانیه محکم صادر کردند: «خدایا از تویاری مسلمانان را می‌خواهیم، دشمنان آنان را ذلیل و خوار بدار و از برداران مسلمان ایران و سایر ممالک، انتظار داریم مجتمع شوند و در حق یهود نفرین نمایند و در حق برادران مسلمان ما دعا کنند تا در این میدان جنگ، فاتح و پیروز گردند.» (امینی، ۱۳۸۵، ص ۷۱).

آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی رحمته‌الله علیه (۱۸۹۶-۱۹۸۱) که از علمای بزرگ ایران به شمار می‌روند نیز در حکمی دیگر بیان می‌دارد: «بر همه مسلمانان جهان واجب است که از هرگونه مساعدت مادی و معنوی نسبت به اعراب مسلمان دریغ ندارند و هر نوع معامله و ارتباطی که منشأ تقویت رژیم صهیونیستی بشود یا در آمادگی آن‌ها برای مبارزه و پیکار با کشورهای عربی دخالت داشته باشد، حرام و در حکم مبارزه با اسلام است.» (ورعی، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

آیت‌الله سیدمحسن حکیم رحمته‌الله علیه (۱۹۷۰-۱۸۸۹) از مراجع بزرگ شیعه در نجف، طی حکمی ضرورت جهاد با دشمن صهیونیستی را این‌گونه بیان می‌دارند: «اکنون که جهاد مسلمانان با یهودیان صهیونیست شروع شده است، هم‌دستی کافی و کامل باید بکنند و به دشمن اسلام مهلت ندهند که برادران آنان را مورد قتل و غارت قرار دهند. خدای متعال با ماست و باید جهاد را تعمیم دهیم.»^۱

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی از مراجع تقلید نیز در این باره می‌فرماید: «رژیم اسرائیل شرورترین و جنایت‌کارترین رژیم در تاریخ است... علمای اسلام بلکه علمای همه مذاهب جهان در این جا وظیفه سنگینی بر عهده دارند. باید دست به دست یک‌دیگر دهند و پیروان خود را در برابر این جانپان روزگار بسیج کنند و تشویق به ادامه این راه کنند.»^۲

۱. ر.ک: رجیبی، پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، ۱۲ خرداد ۱۳۸۹.

امام موسی صدر نیز با صدور حکمی در حوزه حقوق بین الملل اسلام، اسرائیل را شر مطلق دانسته به گونه‌ای که هر گونه تعامل با آن حرام است. (آجرلو و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۵) گواه ما بر این اجماع اکثری از جانب علمای اسلام، دارال‌حرب دانستن رژیم صهیونیستی در مقابل بقیه دارالاسلام است که بر اساس قاعده عقلی دفع ضرر محتمل، می‌بایست با توسعه طلبی ایدئولوژیک صهیونیسم، به‌عنوان ضرر محتمل، مبارزه کرد. همه این منابع بر حرمت برخورد با رژیم صهیونیستی به‌عنوان مصداق اتم و بارز دارال‌حرب تمرکز دارند.

نتیجه

از زمانی که رسول الله ﷺ پرچم حکومت اسلامی را در مدینه برافراشت، یهودیان شبه جزیره، عمر، عزت و دوام خویش را رو به افول دیده و به همین خاطر اقداماتی را علیه اسلام و حکومت اسلامی آغاز کردند. پیامبر اسلام ﷺ هم که با واقع‌بینی در حوزه سیاست، متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی عمل می‌کرد، با درایت کامل با آنان برخورد می‌کردند. پیامبر نخست نظام‌نامه مدینه را با انعقاد پیمان‌نامه عمومی ایجاد نمود و سعی کردند با ایجاد همزیستی مسالمت آمیز و با اِعمال سیاست‌های سنجیده، یهودیان مدینه را به دین مبین اسلام فراخوانند و دل‌های ایشان را به نور اسلام هدایت نمایند. اگر چه که مدارای پیامبر ﷺ با آن‌ها تأثیر چندانی در هدایتشان نداشت و آنان برخلاف عهدنامه عمومی و با روش‌های گوناگون در صدد خاموش کردن مشعل پرفروغ اسلام برآمدند. افرادی که به مطالعات تاریخی صدر اسلام اهتمام و علاقه دارند، تصدیق می‌نمایند که پیامبر ﷺ برای حفظ و نگهداری ثبات اجتماعی و سیاسی مرکز حکومت اسلامی، بارها بردباری و شکیبایی فراوانی در برابر یهود از خویشان نشان دادند و حتی ایشان مسلمانان را به صبر و مقاومت در مقابل اقدامات خرابکارانه و تحریک‌کننده یهودیان فرا می‌خواندند؛ اما کم کم بار شد فزاینده خیانت‌های یهودیان، پیامبر ﷺ از اعمال سیاست‌های انعطاف‌پذیر نسبت به آن‌ها دل‌سرد شده و با پیروی از وحی الهی (عنکبوت ۲۹): (۴۶) مصمم گردید با برخورد قاطع با آنان، به جنگشان برود. اگر در برخورد رسول الله ﷺ با اقوام شکست خورده یهودی تأملی نمایم، این نکته را متوجه خواهیم شد که حضرت در ابتدا بر ضبط کردن اموال یهودیان و اخراج آنان از سرزمین‌های اسلامی تأکید داشتند تا با یک‌دیگر به ایجاد ائتلاف در مرکز حکومت اسلامی

نبردازند. پیامبر ﷺ از پیمان شکنی مکرر یهودیان آگاه بود و به همین خاطر حاضر به تحمل حضور این گروه پیمان شکن در پایتخت جامعه مسلمانان نبودند.

در نتیجه پیامبر که همیشه جانب احتیاط را نگاه می داشتند، برای آن که از مشکل مشرکان مکه فراغت یابند و مجبور نباشند همزمان در دو جبهه نبرد نمایند، پیش از حمله به خیبر، با آن ها صلح حدیبیه را منعقد ساختند. نکته قابل توجه در این پیمان این است که در صلح حدیبیه، این مشرکان هستند که در موضع تدافعی و ضعف قرار داشتند و این پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان بودند که خواسته ها و منویات خود را به طرف مقابل دیکته می کردند. و شاید از همین رو هم بود که خداوند متعال از این واقعه در قرآن کریم به عنوان «فتح مبین» یاد کرده است. حال سؤال از مقایسه کنندگان صلح حدیبیه با قرارداد تطبیح و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی این است که آیا چنین قرارداد ذلت باری با دشمن حربی دارالاسلام می تواند از مصادیق حفظ عزت اسلام و سرزمین های اسلامی و یا «فتح مبین» باشد!

در واقع چنین قراردادی یک نوع جدا شدن از جرگه امت اسلامی و اظهار تولی و دوستی با رژیم اشغالگر صهیونیستی است. قرارداد سازش یک نوع تمایل به سمت اسرائیل و هم صف شدن با آن محسوب می گردد. و اگر کسی هم بگوید این قرارداد، یک مصداق از مصادیق عقد صلح است باید در جوابش بگوییم اگر هم عقد صلح باشد، عقدی است باطل و فاقد ارکان و شروط عقد، زیرا عنصر اهلیت شرعی در عاقد وجود ندارد و تصرفش در شئون عامه امت اسلامی هم نافذ نیست. همچنین هیچ یک از شروط یک عقد صلح صحیح فقهی را ندارد و عقد صلحی است کأن لم یکن که وجود و عدم وجودش یکی است.

در واقع حکومت هایی که اصرار بر بستن قرارداد عادی سازی روابط با اسرائیل دارند، هیچ نوع ولایت شرعی عامی برای تصرف در مسئله فلسطین و قدس ندارند، بلکه هیچ ولایت خاصی هم بر دولت های خودشان ندارند چه برسد به سایر سرزمین های اسلامی زیرا حکومت هایی هستند که مردمشان آن ها را انتخاب نکرده اند. دراصل حکومت های دست نشانده، با دشمن اسرائیلی جنگی ندارند تا با او به نوشتن پیمان صلح بپردازند. به نظر نگارنده این سطور در واقع پروژه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی که توسط غربی ها و آمریکا و با مشارکت برخی دولت های سرسپرده عربی به پیش می رود، در بهترین حالت برای رژیم جعلی و غاصب اسرائیل، از حد سطح روابط سیاسی - اقتصادی اش با دولت ها فراتر نخواهد رفت و به سطح و لایه ملت ها نخواهد رسید.

اسرائیل و استراتژی جدید سه ضلعی آن در راستای خفه کردن ایران و محور مقاومت با ابعاد

نقشه خاورمیانه جدید؛ عادی‌سازی روابط با کشورها به نحو حداکثری و به‌خصوص کشورهای عربی-اسلامی و همسایه ایران؛ استراتژی ضربات هزار چاقو به معنای کار بر روی ایجاد گسل‌ها و ناآرامی‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، دینی و سیاسی در کشورهای محور مقاومت و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران است.

چنانچه در مورد نظر قریب به اتفاق علمای جهان اسلام و به‌خصوص تا دهه اخیر، اتفاق نظری مشهود و معنا دار در حرمت هرگونه حتی مراوده و دادوستد با رژیم صهیونیستی دیده می‌شود و این به خاطر غصب اراضی اسلامی و توهین به مقدسات موجود در فلسطین و نیز به نوعی اشغال‌گری آشکار و واضح و کافر حربی بودن اسرائیلی‌هاست که به نظر می‌رسد باید این قسمت‌ها را در افکار عمومی و کشورهای اسلامی برجسته نمود و یک مطالبه عمومی در مردم برای مطالبه‌گری از حکومت‌هایشان در زمینه جرم‌انگاری دینی و قانونی هرگونه عادی‌سازی روابط با اسرائیل ایجاد کرد، درست همانند آن‌چه در عراق به برکت خون شهدایی چون حاج قاسم و حاج ابو مهدی المهندس ایجاد شد.

به نظر می‌رسد که پروژه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در راستا و در طول پروژه تشکیل دولت بزرگ اسرائیلی از «نیل تا فرات» یعنی در تمام منطقه غرب آسیا است و این به معنای دادن اختیار کشورهای اسلامی به دشمن خونی مسلمانان در جهان است. اسرائیلی‌ها با یک برنامه‌ریزی، دریافتند که در شرایط کنونی که شرایط ذلت کشورهای عربی است، بهترین فرصت برای دستیابی به منافع نفت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تسلط بر منافع اقتصادی، امنیتی و حیاتی این کشورها، و اسرائیلی‌ها برای برقراری روابط اقتصادی با کشورهای عربی از بهانه‌هایی مثل نیاز این کشورها برای دسترسی به دریای مدیترانه از طریق بندر حیفا؛ موضوع ایران هراسی؛ مسئله اجماع بر محور تقابل با مکتب جمهوری اسلامی است. پس در واقع باید گفت چنین قیاسی میان صلح حدیبیه و مسئله سازش‌کاری با رژیم جعلی و اشغال‌گر قدس، قیاسی مع الفارق الاعظم و باطل است که در واقع مغالطه‌ای بیش از جانب علمای درباری توجیه‌کننده روابط پادشاهان آنها با اسرائیل غاصب نیست.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی، (۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹م)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
۲. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء الحافظ، (۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸م). البدایه و النهایه، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. اسدی، بیژن، (۱۳۸۰ هـ ش)، «نقد و بررسی؛ دانشنامه جدید صهیونیسم و اسرائیل»، مجله مطالعات منطقه‌ای، شماره ۶، بهار.
۴. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹ هـ ش)، «درک روابط بین‌الملل؛ رویکردی قرآنی»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۴، زمستان.
۵. امینی، داود، (۱۳۸۵ هـ ش)، «باز بینی مواضع رژیم پهلوی، روحانیت و مردم ایران، در منازعات فلسطین و اسرائیل»، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۱، شماره مسلسل ۶۱، بهار.
۶. آجرلو، حسین و همکاران، (۱۳۹۲ هـ ش). «رژیم صهیونیستی؛ تعامل یا تقابل؟ بررسی مستندات فقهی دیدگاه امام موسی صدر در رابطه با تعامل با رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره پنجم.
۷. آخوندی، مصطفی، (۱۳۸۱ هـ ش)، نظام دفاعی اسلام، قم، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۸. آیت‌اللهی، سیدمهدی، (۱۳۳۵ هـ ش)، ترجمه چهره یهود در قرآن، بی‌جا، جهان آرا.
۹. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶م)، کتاب جمل من انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر.
۱۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، (۱۳۶۱ هـ ش)، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. پاک نژاد، سیدرضا، (۱۳۵۸ هـ ش)، یهود و قریش، بی‌جا، موسسه خیریه علمی و دینی مهدیه.
۱۲. خالد مشعل، (۱۳۸۹ هـ ش)، فعالان سیاسی صهیونیست، تهران، نداء زیتون.

۱۳. خانی، حسین، (۱۳۸۹ هـ.ش)، «مؤلفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۳، شماره مسلسل ۴۹، پاییز.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸ هـ.ش)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
۱۵. الزین، سمیع عاطف، (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م)، خاتم النبیین، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
۱۶. سلطانشاهی، علی‌رضا، (۱۳۹۶ هـ.ش)، «صد سالگی اعلامیه بالفور»، مجله پانزده خرداد، شماره ۵۳، پاییز.
۱۷. السهیلی، عبدالرحمان، (بی‌تا)، الروض الانف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام، تحقیق عبدالرحمان وکیل، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۸. شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۹ هـ.ش)، تحلیلی از تاریخ اسلام، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۱۹. شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۳ هـ.ش)، «مبانی سیاسی - اجتماعی صهیونیسم»، مجله کتاب نقد، شماره ۳۲، پائیز.
۲۰. طاهری آکردی، محمد حسین، یهودیت، قم، المصطفی، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲۱. الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر، (۱۸۷۹ م)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳ هـ.ش)، القواعد الفقهیة، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۲۳. قاسمی، محمد علی، (۱۳۸۹ هـ.ش)، «دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹، پاییز.
۲۴. کفاش، حامد، (۱۳۹۱ هـ.ش)، دایرة المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، تهران، سایان.
۲۵. مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۶۲ هـ.ش)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر.
۲۶. مسعود نیا حسین و قربانی تازه‌کندی سعی، (۱۳۹۵ هـ.ش)، «تأثیر جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌گیری گروه جهاد اسلامی در فلسطین»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۷.

۲۷. ملکی، محمدرضا؛ محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، (۱۳۹۹ هـ ش)، چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۶۷.
۲۸. نظریور، مهدی (۱۳۸۵ هـ ش)، فلسطین از دیدگاه امام خمینی؛ و مقام معظم رهبری، فصلنامه پیام، شماره ۷۸، تابستان.
۲۹. واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، المغازی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۰. ورعی، سید جواد، (۱۳۸۲ هـ ش)، «مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۲، تابستان.

پایگاه‌های اینترنتی

۳۱. <https://www.msfonline.com>
۳۲. به نقل از پایگاه عربی منتدى العلماء.
۳۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالیه)، ۱۳۸۱/۰۲/۱۱.
۳۴. پایگاه شورای راهبردی روابط خارجی؛ scfr.ir
۳۵. خبرگزاری ایسنا ۲۷ مهر ۱۴۰۰، کد خبر: ۱۴۰۰۰۷۲۷۱۹۲۳۵.
۳۶. رجبی، پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.